



برش

خاوری برای خروج از کشور مشکلی نداشت

آقای خاوری به معاونت بانکی وزارتخانه اعلام کرده بود که می خواهد برای شرکت در جلسه هیات مدیره PLC به انگلستان برود. معاونت بانکی وزارتخانه نیز، موضوع را به من اعلام کرد و من نیز آن را به این کمیته ارجاع دادم. این کمیته بعد از رسیدگی تأیید کرده بود که به دلیل اهمیت جلسه هیات مدیره این سفر ضروری است. حالا خود این کمیته از نهاد ریاست جمهوری استعلام می گیرد. در نهاد ریاست جمهوری نیز کمیته ای تحت عنوان «کمیته نظارت بر سفرهای خارجی کارکنان دولت» وجود دارد که یک نفر از نهاد ریاست جمهوری، یک نفر از وزارت اطلاعات و یک نفر از مجلس شورای اسلامی در آن حضور دارند. این کمیته نیز با سفر آقای خاوری موافقت می کند.

روشن شد؛ یکی رفتار رئیس با من بود. احمدی نژاد به من گفت: من کاری به جریانات سیاسی ندارم. وی احساس می کرد من را به ناحق و به خاطر او تخریب می کنند، پس مرد و مردانه پای من ایستاد. در بین نمایندگان مجلس هم آقای بادامچیان در ظاهر و باطن از من حمایت می کرد. روزی وی پیش من آمد و گفت: «فقط آمده ام لداریت بد هم.»

به هر حال بادامچیان فرد باتجربه و دوران دیده ای است. از او پرسیدم: «آقای بادامچیان، چرا دارد این برنامه ها پیش می آید؟» دستم را گرفت و گفت: یک روز خدمت شهید بهشتی رفته ام تا او درد دل کنم. آیت الله بهشتی گفت: «آقای بادامچیان برای اینکه این کشور و نظام بماند فقط نباید خون داد باید آبرو هم بدهیم.» او اضافه کرد: «آقای حسینی نگران نباشید. برای حفظ نظام باید آبرو هم داد.» ضمن اینکه افرادی مانند آقایان حداد و ابوترابی نیز خیلی در این باره و حمایت از من در روز استیضاح کمک کردند. بهتر است چند مورد از این نقل قول ها را به شما بگویم. بعد از اینکه سخنرانی من در جلسه استیضاح تمام شد و از جایگاه پایین آمدم، چیزی حدود ۱۰۰ نماینده برای تبریک به سمت من آمدند. ظهر همان روز آقای بروجردی در راهروی مجلس من را دید و گفت: دفاعیه شما حداقل ۲۰ درصد رأی شما را بالا برد.

حتی خاطر هم هست آقای مصباحی مقدم بین جلسه صبح و بعدازظهر روز استیضاح مصاحبه کرد و گفت: «با سخنرانی وزیر اقتصاد، استیضاح وی رأی نخواهد آورد.» شیخ قدرت علیخانی نماینده وقت قزوین چند ماه بعد از جلسه استیضاح پیش من آمد و گفت: در فاصله جلسه صبح تا عصر، من به اتفاق کاظم جلالی به آقای لاریجانی پیغام دادیم که چه شما از حسینی دفاع کنید چه نکنید استیضاح حسینی رأی نخواهد آورد. علیخانی تعبیری داشت که می گفت: «استیضاح تو رأی نیاورد، چون دل نمایندگان با تو بود.» من به این جمله باور داشتم.

رفت که آقای لاریجانی آن نطق دفاع را خواند.

● از فضای رسانه ای کشور این طور برداشت می شد که حمایت ها و کمک های لاریجانی باعث شد استیضاح شمارای نیابود و شما برکنار نشوید؟

نمی توانم بگویم نطق لاریجانی به من کمک نکرد، اما رأی مخالفان استیضاح حدود ۱۴۰ رأی و آرای ممتنع ۱۰ رأی و در کنار اینها ۹۰ نفر طرفدار استیضاح من بودند؛ یعنی با تمام فضا سازی هایی که صورت گرفت در مجموع ۱۵۰ نفر با استیضاح من مخالف بودند.

من در این رابطه به حرف های علی مطهری اشاره می کنم. او بعدها در مورد استیضاح من گفته بود: «مجلس منهای تخلف بزرگ بانکی، وزیر اقتصاد را وزیر موفقی می دانست. دفاع وزیر مؤثر بود و استیضاح کنندگان دلایلی نداشتند، لذا رأی نیابودن استیضاح وی به خاطر دفاع لاریجانی نبود.» اما در مورد سؤال شما باید بگویم لاریجانی تا میزانی به آرای ممتنع کمک کرد تا به رأی موافق به من تبدیل شوند. اما جریان استیضاح من آنقدر پیچیده بود که حتی تعداد قابل توجهی از نمایندگان اصلاح طلب مجلس به من پیغام دادند «ما در جلسه استیضاح، به استیضاح تو رأی نخواهیم داد اما از ما انتظار نداشته باش در مجلس یا در گفت و گو با رسانه ها موافق یا به نفع تو صحبت کنیم. ما در مخالفت مان با دولت کار خودمان را می کنیم اما در قبال وزارت تو، انصاف را زیر پا گذاشته و در مجلس به نفع تو رأی خواهیم داد.»

حتی دستغیب نمایند اصلاح طلب شیراز، شب قبل از استیضاح به دفتر من آمد و گفت: «حاضر من فردا از تو دفاع کنم، به هیچ جریان سیاسی هم کار ندارم. گرچه با دولت مخالفم اما از عملکرد تو دفاع می کنم.» افرادی مثل آقایان عثمانی، جانی عباسپور و نجفی نماینده مراغه نیز برای دفاع از من اعلام آمادگی کردند. در جریان استیضاحم چند چیز برایم

قانون من فقط می توانستم خاوری را برکنار کنم، چون بانک صادرات و سامان خصوصی بودند، ضمن اینکه تعیین صلاحیت و سلب صلاحیت اعضای هیات مدیره و مدیران عامل بانک ها در کشور بر عهده بانک مرکزی است. آقای خاوری پیش دستی کرد و استعفا داد. دو نفر دیگر نیز توسط هیات مدیره بانک صادرات و سامان عزل شدند. البته الان که این اتفاقات را مرور می کنم می بینم انصافاً مدیرعامل بانک سامان تقصیری هم نداشت، اما در آن شرایط فضا به گونه ای بود که ادامه فعالیت وی برای خود بانک سامان هم به صلاح نبود. چون به هر حال شائبه هایی وجود داشت که این مدیران قصور کرده اند. در مورد خودم نیز به این جمع بندی رسیده بودم که برگزاری استیضاح روشنتر، بهتر از مسکوت ماندن آن یا استعفاي خموش است. چرا که اگر استیضاح رأی بیاورد من برکنار می شوم و دیگر مسئولیتی بر عهده من نخواهد بود، اگر هم رأی نیابود پس مسأله شفاف شده است.

● در این باره، اغلب مقامات بانکی به دادگاه احضار شدند؟

نه، اعضای هیات مدیره بانک های درگیر ماجرا برای تحقیق و به عنوان مطلع احضار شدند. البته تا آنجا که به یاد دارم کسی از هیات مدیره بانک ملی برکنار نشد.

● فرزاد احمدی که برکنار شد؟

نه، احمدی را من برکنار کردم.

● چرا؟

احمدی یک مدیر بانکی، با سابقه خوب بود و هیچ تقصیری هم در این ماجراها نداشت. اما همان طور که به خود او هم گفتم: او به عنوان عضو هیات مدیره از من حکم گرفته بود. اگر می دانستت ریسک تنزیل این ها را بالاست چرا این مورد را به من گزارش نکرد؟ ما به این نتیجه رسیدیم که به دلیل ریسک بالا، بانک ملی نباید درگیر تنزیل چنین حجم گسترده ای از اوراق های یک ذینفع می شد.

● شما به خاطر این پرونده استیضاح شدید. ولی در مجموع، استیضاح شمارای نیابود. چه کسانی برای برکنار شدن شما از وزارت اقتصاد تلاش داشتند؟

به نظرم دو جریان وجود داشت. یکی جریان آشکار و دیگری جریان پنهان. جریان آشکار کسانی بودند که استیضاح مرا امضا کرده بودند. اما تأثیر جریان پنهان بیشتر بود. من تا یک هفته قبل از استیضاحم فکر می کردم آقای لاریجانی با استیضاح من مخالف است، اما بعدها متوجه شدم وی با استیضاح من موافق بود.

● چه زمانی فهمیدید؟

۴۸ تا ۷۲ ساعت قبل از استیضاح متوجه شدم.

● اما شواهد نشان می دهد لاریجانی از شما حمایت کرد؟

روز جلسه استیضاح، صحنه تغییر کرد. این استیضاح خیلی پیچیده بود. به طور مثال چند نفر از نمایندگان مجلس که با آقای لاریجانی به سفر خارج از کشور رفته بودند با من تماس گرفته و گفتند: «لاریجانی در آنجا به ما می گفت یک وزیر عوض شود بهتر از یک هزینه بزرگ دیگر است.» روز قبل از جلسه استیضاح، وقتی با وی خصوصی صحبت می کردم صراحتاً به من گفت: «چرا استعفا نمی دهی؟» اما فضا و شرایط در روز استیضاح به گونه ای پیش

**در حال بررسی برخی****از تغییرات در سیستم****بانکی با مشورت هایی****که صورت گرفت به****خاوری رسیدم و از****وی برای حضور در****بانک ملی دعوت****کردم. البته من هیچ****رابطه شخصی با****وی نداشتم، هرگز****نه خاوری به منزل****من آمده بود و نه****من به منزل خاوری****رفته بودم. نه من****همسر و فرزندان****او را می شناختم و****نه او از خانواده من****شناختی داشت.****این را به این علت****استیضاح عده ای****گفتند: حسینی****با خاوری باجناق****است. من به شوخی****می گفتم: دست بر****قضا من اصلاً خواهر****زن ندارم که باجناق****داشته باشم. مدتی****بعد یکی از رسانه های****خاوری پدرزن حسینی****است که نهایتاً من****از آنها شکایت کردم****که اتفاقاً در دادگاه****محکوم هم شدند**

را به دولت زد. کما اینکه بیشترین باروت طرح استیضاح مرا، رفتن او ایجاد کرد. حتی آن زمان شایعه ای مطرح شد که من با آقای محسنی اژه ای تماس گرفتم و وساطت کرده ام که خاوری را بازداشت نکنند. بعدها آقای اژه ای در گفت و گویی در مورد عدم بازداشت خاوری گفت: «ما دیدیم دلیلی برای بازداشت خاوری نداریم.» متأسفانه عده ای می خواهند آینده افراد را در گذشته زیر سؤال ببرند و این عقلاً غیر ممکن است.

● اصلاً خاوری برای چه کاری از کشور خارج شد؟

به هر حال آقای خاوری مدیرعامل بانک ملی بود. بانکی در اصل تحت عنوان PLC در انگلستان وجود دارد که زمانی یکی از بهترین بانک ها بود اما در سال های اخیر به دلیل تحریم ها فقط به تسویه حساب با مشتری ها می پردازد. خاوری به عنوان مدیرعامل بانک ملی برای شرکت در جلسه هیات مدیره PLC به لندن می رود. اتفاقاً آقای سیف رئیس کل فعلی بانک مرکزی هم در آن جلسه حضور داشت. من در دوران وزارت من در ابلاغیه ای اعلام کرده بودم که طبق آن تمام کسانی که از من حکم دارند قبل از سفر به خارج از کشور باید از وزیر اقتصاد مجوز بگیرند. در همین راستا، کمیته ای با مسئولیت معاونت توسعه و سرمایه انسانی وزارتخانه تشکیل داده بودم که لزوم یا عدم لزوم این سفرها در آنجا بررسی می شد. آقای خاوری به معاونت بانکی وزارتخانه اعلام کرده بود که می خواهد برای شرکت در جلسه هیات مدیره به انگلستان برود. معاونت بانکی وزارتخانه نیز، موضوع را به من اعلام کرد و من نیز آن را به این کمیته ارجاع دادم. این کمیته بعد از رسیدگی تأیید کرده بود که به دلیل اهمیت جلسه هیات مدیره این سفر ضروری است. حالا خود این کمیته از نهاد ریاست جمهوری استعلام می گیرد.

در نهاد ریاست جمهوری نیز کمیته ای تحت عنوان «کمیته نظارت بر سفرهای خارجی کارکنان دولت» وجود دارد که یک نفر از نهاد ریاست جمهوری، یک نفر از وزارت اطلاعات و یک نفر از مجلس شورای اسلامی در آن حضور دارند. این کمیته نیز با سفر آقای خاوری موافقت می کند. من بعدها که از اجلاس بانک جهانی برگشتم، مدیر حراست بانک ملی به من گفت: «قبل از سفر به انگلیس، خاوری به من گفت: ببینید من ممنوع الخروج نیستم و بیهوده به فرودگاه نرم و وقتی جلسه ای تشکیل می شود که دو مدیرعامل ذینفع هستند، زمانی که یکی از این دو مدیرعامل به جلسه دعوت می شود، ولی با دیگری حتی تماس هم گرفته نمی شود، معلوم است آن فرد دچار سوء تفاهم می شود. قبل از اینکه قضیه فرار خاوری به صورت علنی در کشور رسانه ای و قطعی شود، جهرمی در بیانیه ای اعلام می کند: «خاوری به کانادا رفته و دیگر هم بر نمی گردد.» به نظرتان می توان این حرف را یک پیش بینی ساده تلقی کرد؟ برخی آن را مشکوک می دانند.

از کجا می دانست؟ من در این باره اطلاعی ندارم و باید از خود آقای جهرمی در این باره سؤال کنید. زمانی من امریکای نشست خبری گذاشتم من امریکای لاتین بودم. زمانی هم که خاوری به انگلستان رفت هم در اجلاس پاییزه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بودم. رفتن خاوری بزرگترین لطمه

من در آن جلسات با وی آشنا و متوجه شدم فرد متخصصی در حوزه بانکی بوده و به حقوق و روابط بین الملل در حوزه بانکی بسیار مشرف است. بعد از آن هیچ ارتباطی با هم نداشتیم تا اینکه وقتی وزیر شدم و به وزارت اقتصاد آمدم، تحریم های بانکی تقریباً در حال شدت گرفتن بود. گذر از مشکل تحریم بانکی نیازمند افرادی آشنا به نظام حقوق بانکی بین الملل بود. در حال بررسی برخی از تغییرات در سیستم بانکی با مشورت هایی که صورت گرفت به خاوری رسیدم و از وی برای حضور در بانک ملی دعوت کردم. البته من هیچ رابطه شخصی با وی نداشتم، هرگز نه خاوری به منزل من آمده بود و نه من به منزل خاوری رفته بودم. نه من همسر و فرزندان او را می شناختم و نه او از خانواده من شناختی داشت. این را به این علت می گویم که در جریان استیضاح عده ای گفتند: حسینی با خاوری باجناق است. من به شوخی می گفتم: دست بر قضا من اصلاً خواهر زن ندارم که باجناق داشته باشم. مدتی بعد یکی از رسانه های منتقد دولت نوشت: خاوری پدرزن حسینی است که نهایتاً من از آنها شکایت کردم که اتفاقاً در دادگاه محکوم هم شدند. البته من به عنوان وزیر اقتصاد طبق روال در مورد احراز صلاحیت آقای خاوری به وظایف خود عمل کردم. به مدیر حراست دستور رسیدگی دادم، وی نیز بعد از بررسی و استعلام های لازم گفت مورد تأیید است و از نظر مراجع مسئول مانعی وجود ندارد.

توافقاً وقتی من به ایشان حکم دادم خیلی مورد تمجید قرار گرفتم. در سوابق خاوری احکام تشویقی زیادی از سوی اشخاص معنوی و حتی بالاترین مقامات اطلاعاتی و امنیتی کشور وجود دارد.

صلاحیت های تخصصی خاوری محرز بود. صلاحیت های عمومی و اخلاقی را نیز از طریق حراست وزارتخانه استعلام کردم و پاسخ این استعلام نیز مثبت بود. من باید چکار می کردم؟

● برای انتخاب خاوری از سوی جریان یا فرد خاصی به شما توصیه ای صورت گرفت؟

هیچ توصیه ای نشد. این سؤال را بارها از من در جاهای مختلف پرسیده اند. در خصوص بانک ملی، من به این جمع بندی رسیده بودم که باید تغییراتی ایجاد شود. به نظرم بزرگترین جرم خاوری، جرم حرفه ای او مبنی بر عدم بازگشت به کشور بود. در این باره توجیهی وجود دارد و البته من هم تحلیل هایی دارم. بالاخره وقتی جلسه ای تشکیل می شود که دو مدیرعامل ذینفع هستند، زمانی که یکی از این دو مدیرعامل به جلسه دعوت می شود، ولی با دیگری حتی تماس هم گرفته نمی شود، معلوم است آن فرد دچار سوء تفاهم می شود.

قبل از اینکه قضیه فرار خاوری به صورت علنی در کشور رسانه ای و قطعی شود، جهرمی در بیانیه ای اعلام می کند: «خاوری به کانادا رفته و دیگر هم بر نمی گردد.» به نظرتان می توان این حرف را یک پیش بینی ساده تلقی کرد؟ برخی آن را مشکوک می دانند.

از کجا می دانست؟ من در این باره اطلاعی ندارم و باید از خود آقای جهرمی در این باره سؤال کنید. زمانی من امریکای نشست خبری گذاشتم من امریکای لاتین بودم. زمانی هم که خاوری به انگلستان رفت هم در اجلاس پاییزه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بودم. رفتن خاوری بزرگترین لطمه



عکس: فارس

● تا آنجا که می دانم در ادارات، مسئولان حراست باید پیگیر این مسائل باشند.

مگر خاوری در کشور چهره ناشناخته ای بود. او مدیرعامل قبلی بانک سپه و یکی از قدیمی ترین مدیران بانکی در ایران بود. وقتی که در ابتدای دولت نهم، خاوری برکنار شد، حدود ۲۰۰ نماینده مجلس نامه ای نوشته و در آن او را مدیر لایقی دانسته بودند.

● شما خاوری را به چه میزان و از کجا می شناختید؟

در دولت آقای خاتمی، من مدیرکل دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی بودم. ما در آنجا دو لایحه مهم تهیه کردیم. یکی تدوین لایحه اصلاحی تجارت و دیگری تدوین لایحه رقابت بود. بعدها لایحه رقابت به بخشی از قانون اصل ۴۴ تبدیل شد که لایحه تجارت نیز بخش عمده ای از احکام و قوانین بانکی را تشکیل می داد. یکی از افرادی که در آن جلسات شرکت می کرد و فرد مسلط و پخته ای به نظر می رسید، محمود رضا خاوری، قائم مقام آن سال های بانک سپه بود.



برش

لطمه بزرگ فرار خاوری به دولت

زمانی که جهرمی نشست خبری گذاشت من امریکای لاتین بودم. زمانی هم که خاوری به انگلستان رفت هم در اجلاس پاییزه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بودم. رفتن خاوری بزرگترین لطمه را به دولت زد. کما اینکه بیشترین باروت طرح استیضاح مرا، رفتن او ایجاد کرد. حتی آن زمان شایعه ای مطرح شد که من با آقای محسنی اژه ای تماس گرفتم و وساطت کرده ام که خاوری را بازداشت نکنند. بعدها آقای اژه ای در گفت و گویی در مورد عدم بازداشت خاوری گفت: «ما دیدیم دلیلی برای بازداشت خاوری نداریم.» متأسفانه عده ای می خواهند آینده افراد را در گذشته زیر سؤال ببرند و این عقلاً غیر ممکن است.